



مقدمات زندگے نامہ نوپے

دکتر محمد رضا فخر روحانی
عضو هیئت علمی دانشگاه قم

مؤسسہ کتاب شنایع شیعہ

قوله تعالى

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ
وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

الأخزاب: ٣٩

شیوہ نامہ

۲

شمارۃ انتشار (چاپ اول) | ۶۵

مسلسل انتشار (چاپ اول و بار چاپ) | ۸۰

سرشناسہ	: فخرروحانی، محمد رضا، ۱۳۴۱ - Fakhr-Rohani, Mohammad-Reza
عنوان و نام پدیدآور	: مقدمات زندگی نامہ نویسی / محمد رضا فخرروحانی.
مشخصات نشر	: قم: موسسہ کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاہری	: ۱۱۲ ص.
فروست	: موسسہ کتاب شناسی شیعه: ۶۵. شیوہ نامہ ها: ۲.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۰۳۵۲-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: سرگذشتنامہ نویسی
موضوع	: Biography as a literary form
شناسنہ افزودہ	: موسسہ کتابشناسی شیعه
ردہ بندی کنگرہ	: CT۲۲
ردہ بندی دیویی	: ۸۰۸/۰۶۶۹۲
شمارہ کتابشناسی ملی	: ۶۲۳۷۶۸۰



مقدمات زندگی نامہ نوپے

دکتر محمد رضا فخر روحانی
عضو هیأت علمی دانشگاه قم



مقدمات زندگینامه نویسی

دکتر محمدرضا فخرروحانی
عضو هیأت علمی دانشگاه قم

- * ناشر: انتشارات مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه
- * چاپ: بوستان کتاب
- * نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۹
- * شمارگان: ۲۰۰
- * بها: ۱۵۰۰۰ تومان

همه حقوق برای مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه محفوظ است. ©
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه از مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه مجزئ است.

Printed in the Islamic Republic of Iran

انتشارات کتاب‌شناسی شیعه، قم، صندوق پستی ۳۷۱۸۵-۹۱۶،
تلفن و نمابر: ۰۲۵ ۳۸۸۰۲۲۱۲

فروشگاه مرکزی: قم، خیابان توحید، توحید ۷، پلاک ۲۲، تلفن: ۰۲۵ ۳۸۸۰۲۲۳۲

www.al-athar.ir | ☎️ aLathar_ir | e-mail: info@al-athar.ir

۷	چشم انداز
	بخش اول: آغاز کردن
۱۵	۱ مسئولیت زندگینامه نویس
۲۵	۲ برنامه کاری زندگینامه نویسی
۳۳	۳ مشخص کردن مخاطبان
۴۱	۴ پژوهش
۵۱	۵ صورت یک زندگینامه

	بخش دوم: نوشتن داستان زندگی
۶۵	۶ نقطه آغاز
۶۹	۷ تولد شخصیت مورد نظر
۷۳	۸ کودکی و جوانی
۷۷	۹ اثر زندگی
۸۳	۱۰ سالهای افول
۸۷	۱۱ به پایان رساندن داستان زندگی

	بخش سوم: انواع زندگینامه ها
۹۳	۱۲ زندگینامه خود نوشت و خاطرات
۷۹	۱۳ خاطرات شخصی
۹۹	۱۴ حقیقت و پیامدهای آن
۳۰۱	۱۵ ما بعدالتحریر

چشم انداز

امروزه زندگینامه نویسی به عنوان شاخه‌ای از علوم و فنون ادبی تلقی می‌شود. نگارش زندگینامه‌های دقیق بزرگان رکنی مهم در فهم پس زمینه‌هایی در زندگی آنان است به گونه‌ای که آنان توانسته‌اند به ایجاد اقدامات بزرگی در طول حیات خود موفق بشوند. از این رو، اگر برای فهم کردن تاریخ یک علم یا گرایش خاصی از یک سلسله از مطالعات به زندگینامه دقیق عالمان برجسته و تاثیر گذار در آن رشته‌ها دسترسی پیدا کنیم، در آن صورت می‌توانیم به درک بهتری از آن علوم و نظریه‌ها نائل شویم. بر این اساس، آنانی که زندگینامه‌های شخصیت‌های بزرگ را می‌نگارند به پشت صحنه‌هایی از تاریخ تحولات مهم در زندگینامه علمی-پژوهشی همان شخصیت‌ها نائل می‌شوند و در نتیجه کلید واژه‌های فکری و ابتکارات علمی آنان را بهتر و روشن‌تر در می‌یابند. زندگینامه نویسی دانش و یا مهارتی است که از قدیم‌ترین ادوار تمدن‌های بشری که انسان با خط و نگارش آشنا شد وجود داشته است. برخی از متخصصان فن اعتقاد دارند

که حتی نقاشی های موجود بر دیوارهای غارهایی که انسانهای اولیه در آنجا زندگی می کرده اند نیز دارای جنبه هایی از زندگینامه می باشد.

یقیناً فن زندگینامه نویسی در تمدن های یونان باستان به عنوان بخشی از تاریخ و ثبت رویدادهای مهم آن وجود داشته است. در نتیجه همین ثبت و ضبط های تاریخی است که امروزه به بخش هایی از آن رویدادها دسترسی داریم، هرچند که تعیین دقیق درستی و یا نادرستی آن گزارشها را باید در زمینه های دیگر علمی پیگیری کرد. از این دیدگاه، زندگینامه نویسی نه تنها بخشی از تاریخ و تاریخ نگاری را شکل داده، بلکه همین دسته از مطالعات زمینه ای برای نگارش چنین کتاب های مهمی مانند تاریخ تمدن، در یازده جلد (نیویورک، ۱۹۷۵-۱۹۳۵) توسط زوج آمریکایی ویل و آریل دورانت و یا مطالعه تاریخ نوشته آرنولد جوزف توین بی، ده جلد لندن، ۱۹۳۴-۵۴؛ چاپ مختصر شده یک جلدی، لندن، ۱۹۷۲ شده است.

برای فن زندگینامه نویسی در زبان های پرکاربرد دنیا مانند انگلیسی، فرانسوی، روسی و جز آن کتاب های متعددی نوشته شده و می شود. قدمت این گونه کتاب ها که در باب مهارت ها، مشخصات و لوازم زندگینامه نویسی هستند در میان کتاب های انگلیسی دست کم به قرن ۱۸ میلادی برمی گردد. شایان ذکر است که برخی از کتاب هایی که به زبان انگلیسی در این رشته تألیف شده، در اصل ترجمه هایی از زبان های دیگر بوده اند.

سالهای اخیر، کتاب آقای محمد جواد اصغری هاشمی کتابی تحت عنوان شیوه زندگینامه نویسی: راهنمای تدوین زندگینامه نویسی علمی-تحلیلی (قم: موسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۶۲ ش) منتشر کرد که اثری جالب و خواندنی است، برخی از نکات سودمند در فن زندگینامه نویسی در آن آمده است. هرچند بنابر اظهارات مولف محترم، اصل کتاب با آنچه چاپ شد دارای تفاوتی است، با این وجود همین کتاب هم دارای نکات دم دستی و سودمندی است که یاریگر علاقه مندان به فراگیری مهارت ها و ریزه کاری های زندگینامه نویسی است.

چند سال پیش از انتشار کتاب آقای اصغری هاشمی، کتابی از آقای نایجل همیلتون تحت عنوان (ترجمه ای) چگونه زندگینامه بنویسیم توسط انتشارات دانشگاه هاروارد در آمریکا در سال ۲۰۰۸ میلادی (مقارن با ۱۳۸۷ شمسی) منتشر شد. هرچند و مسلماً آقایان اصغری هاشمی و همیلتون از کار یکدیگر خبری نداشتند (بر اساس پاسخ هایی که نویسنده متن حاضر از هر دو مولف محترم دریافت کرده است)، ولی شباهت های فراوانی میان کتابهایشان به چشم می خورد. مطالعه کتاب آقای همیلتون این ضرورت را به وجود آورد که ترجمه و تلخیص وی همراه با بومی سازی و توضیحات لازم برای خوانندگان فارسی زبان می تواند جنبه هایی از نگاه جهانی به فن زندگینامه نویسی را ارائه دهد. دلیل این کار نگرش تقریباً تاریخی ای است که آقای همیلتون در کتاب خود نشان می دهد. شایان ذکر است که وی در سال ۲۰۰۷ کتابی تحت عنوان (ترجمه ای) تاریخ

مختصر زندگینامه نویسی نوشته است که انتشارات دانشگاه هاروارد آن را چاپ کرد. روش کار در این اثر برای خواننده ایرانی (همراه با افزودن نکات و توضیحات لازم) به صورتی است که در عنوانین فصل های کتاب آقای همیلتون به همان صورت آمده است، ولی نکات مهم هر فصل بر حسب آنچه به مهارت ها و نکات زندگینامه نویسی مربوط می شود تلخیص، ترجمه، بومی سازی و ارائه شده است. دلیل این گزینش، ترجمه و تلخیص این است که (۱) کتاب اصلی که به زبان انگلیسی است برای مخاطبان انگلیسی زبان و دانشگاهی محیط های علمی-فرهنگی همان محیط نوشته است، (۲) اقتضائات فرهنگی و اعتقادی دینی ما ایرانیان که غالباً تحت تأثیر فرهنگ اسلامی است با نظام ها و هنجارهای متداول مخاطبان اولیه کتاب بسیار تفاوت دارد، (۳) اینگونه نیست که همه آنچه در کتاب به زبان انگلیسی آمده است قابل ترجمه و ارائه در جامعه ایرانی باشد، زیرا پیش زمینه های فرهنگی-اعتقادی و تاریخی متفاوت در دو جامعه مورد نظر و نیز برخی نکات و مثال های مطرح شده در کتاب به زبان انگلیسی در جامعه ایرانی قابل فهم نبوده، متن را از دسترسی فکری مخاطبان ترجمه دور می کند. براساس آنچه به اختصار گفته شد، برای سود بردن از انتقال تجارب ارزشمند علمی نویسنده اصلی، روش تلخیص و ترجمه مناسب می باشد.

نایجل همیلتون از نویسندگان معاصر درباره زندگینامه نویسی چنین می گوید:

«ما، دست کم در جهان غرب، در دوران طلایی زندگینامه نویسی

به سر می‌بریم. توصیف زندگینامه‌های واقعی در هر گونه از وسایل ارتباط جمعی از آنچه به چاپ می‌رسد گرفته تا فیلم و از رادیو و تلویزیون گرفته تا اینترنت، بیش از هر زمان دیگری پرطرفدار است. در این دوره، فراوان تراز هر زمان دیگر، مردمانی به نوشتن زندگینامه‌ها رو آورده‌اند. اما تا جایی که می‌دانم، هیچ کتاب سودمندی (خواه کتاب درسی مقدماتی و یا کتاب راهنما) برای کسی که سودای نوشتن وثیت و ضبط و تفسیر زندگانی یک شخص (خواه در قدیم و یا در زمان حال) در سر دارد سودمند باشد را نوشته نشده است.^۱

«زندگینامه برای کمک به اندیشه و اندیشیدن در جهان دموکراتیک غرب از اهمیت شایانی برخوردار است. در عین حال، جامعه‌ای که هیچ زندگینامه‌ای در آن تولید و نوشته نشده، تقریباً اندیشه ناپذیر است، در عین حال، ما هم مطالعه و نوشتن زندگینامه در تمامی ابعاد آن را در دوره‌های آموزش عالی تدریس نمی‌کنیم. جنبه‌های اخلاقی آن، همانند تاریخچه و نظریه‌ای که در ورای آن وجود دارد، غالباً مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. این در حالی است که در سطح علمی هنوز هم چند درس مختصر (واغلب اختیاری) برای آنانی ارائه می‌شود که دوست دارند زندگینامه‌هایی خواه مختصر و خواه مفصل را به رشته تحریر درآورند. از این رو، زندگینامه‌نویس‌های بالقوه، غالباً با توانایی‌های خودشان رها می‌شوند که از این طرف و آن طرف روش‌هایی را یافته و آنها را به کار می‌بندند.»^۲

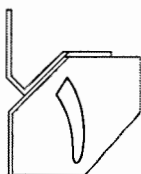
1-2. Nigel Hamilton, *How to Do Biography: A Primer*, Cambridge, MA, 2008, pp. 1-2.

انگیزه اصلی نوشتن این کتاب به زمانی برمی گردد که مشغول نوشتن اولین زندگینامه مرحوم علامه عبدالحسین امینی (مؤلف محترم الغدير) به زبان انگلیسی بودم. عوامل گوناگونی اینجانب را به این مهم واداشت که کتابها و مقالات درباره اصول و فن زندگینامه نویسی را در منابع گوناگون جستجو کنم تا به اصول کلی آن دست یابم. هرچند در زبان انگلیسی کتابهایی در این زمینه یافت می شد که راهگشا بود، اما در زبان فارسی کمتر به کتابی برخورد کردم که از ابتدا تا انتهای کار را مرحله به مرحله بیان کرده باشد. از این رو تصمیم گرفتم کتاب حاضر را تهیه و به جامعه علمی فارسی زبانان تقدیم دارم.

علاوه بر آنچه گفته شد، در طی یکی از سفرهای زیارتی- پژوهشی به عتبات عالیات، دوست دانشمند و عزیزم جناب آقای دکتر محمد حسین علی حسین که فعلاً رئیس کتابخانه حرم مطهر حسینی در کربلا هستند به اینجانب گفتند که اگر چنین کتابی تهیه شود، برای جامعه عرب زبانانی که زبان فارسی هم می دانند سودمند خواهد بود و یا چنین کتابی در این سطح می تواند برایشان راهگشا باشد.

بخش اوّل: آغاز کردن





مسئولیت زندگینامه نویسی

هر زندگینامه نویس بالقوه‌ای پیش از قلم به دست گرفتن برای نوشتن زندگینامه‌ای واقعی باید دریابد که زندگینامه نویسان بیشین چگونه و به چه دلیلی به زندگینامه های شخصیت های واقعی پرداختند و به چه نتایجی دست یافتند. این نتایج از معیار شدگی نوشته های آنان ونیل به استادی شروع شده وگاه تا محاکمه شدن، مجازاتها و حتی کشته شدن و سراز دست دادن هم کشیده میشود و از این رو، زندگینامه نویسی خودش سرگذشت جالبی دارد.

انگیزه زندگینامه نویسی از چه زمانی در آد میان آغاز شده است؟ نخستین تجلیات زندگینامه نویسی چگونه بوده است؟ اختراع خط و سپس ظهور و بروز نوشت افزارها، از ابزارهای فلزی برای درج خطوط میخی گرفته تا مرکب برای نوشتن روی پاپیروس ها چه

تأثیراتی بر زندگینامه نویسی داشته است؟ هدف اقوام پیشین از زندگینامه نویسی چه بود: قصد بزرگداشت و تکریم اموات را داشتند یا می‌خواستند قضاوت خودشان را درباره آنها بیان کنند؟ آیا بیان دستاوردها و عملکرد شخصیت‌ها مورد توجه بوده است یا شخصیت فردی آنها؟ آیا خوانندگان می‌خواهند که از اموات بیاموزند یا درباره آنها مطالبی را فرا بگیرند؟ و اساساً، هنر داستان‌گویی و انشاء از کجا آغاز شده است؟

چنین پرسشهایی از اهمیت فراوانی برخوردارند زیرا همواره در تاریخ اندیشه‌ها در غرب مطرح بوده و هنوز هم از اعتبار برخوردار هستند. دکتر جانسن که زندگینامه‌های شاعران برجسته انگلیسی را نوشته، این نکته را به این شکل بیان می‌کند: «اکثر وقایع نقل شده از برخی از اشخاص بی‌فایده است، زیرا از زندگینامه‌هایی برگرفته شدند که نویسندگانشان از مسئولیت خطیر خود چندان اطلاعی نداشتند.»^۱

بنابراین اگر می‌خواهید که از عتاب دکتر جانسن و امثال او در امان باشید باید از همان ابتدا برای خودتان معین کنید که مسئولیت خطیر زندگینامه نویسی چیست؟ باید بدانید که پیشینیان شما به مسئولیت خود چگونه می‌نگریستند، چگونه آن را به منصفه ظهور رسانده و به چه نتایجی دست یافته بودند. حتی اگر زندگینامه نویسی به ندرت در سطح دانشگاهی تدریس بشود، باز هم دارای

1. Dr. Samuel Johnson, *The Rambler*, 60 (13 October 1750), qtd. in Nigel Hamilton, *How to Do Biography: A Primer*, Cambridge, MA, 2008, p. 8.

اعتبار یک رشته می باشد و آگاهی از تاریخ و خرد و رای آن میتواند دید شما از پرداختن به زندگینامه تاریخی را در جامعه امروزی تقویت کند. چنین دانشی میتواند به شما کمک کند که از تکرار کردن اشکالات وارده به آثار زندگینامه نویسان بزرگ پیشین پرهیز کنید.

به بیانی مختصر میتوان چنین گفت که دکتر جانسن به واقع پدر زندگینامه نویسی نوین در جهان غرب است. بیشترین شهرت وی هم به سبب زندگینامه ای است که جیمز بازول در کتابش تحت عنوان، زندگی ساموئل جانسن برای او نوشته است. با این حال، مقالات جانسن که در نشریه اش به نام رامبلر (تلاشگر) که هفته ای دوبار چاپ میشد اهداف و عمل زندگینامه نویسی را باز شناساند. وی منتقد آثار زندگینامه نویسی ای بود که در اواسط قرن هجدهم میلادی چاپ میشدند به این شکل که مولفان آن آثار «به ندرت برای چیزی هزینه میکردند که بیش از اوراق موجود در دست مردم اعتبار داشت»، در حالی که ارائه تصویری درست و صادقانه از آنچه در و رای چهره عامه پسند یک شخص بود از اهمیت بیشتری برخوردار بود. به دیگر سخن، در زندگینامه زندگی خصوصی شخص مورد نظر باید تحت بررسی و مطالعه دقیق قرار بگیرد.

آنچه مورد نظر دکتر جانسن بود، هدفی پست نبوده، بلکه هدف وی ثبت و ضبط کردن و ارزیابی از شخصیت اخلاقی مردم بود، یعنی همان طور که پلو تارک و سوئنتونیوس از این هنر در ادوار باستان (کلاسیکی یونان و روم) استفاده کردند. این بدین معنا بود که نشان می داد چگونه یک شخص در فراز و نشیب زندگی می توانست در

مقابل وسوسه های گوناگون مقاومت کند. از این رو، دکتر جانسن به زندگینامه نه فقط به عنوان بخشی از تاریخ گذشته که به سرگذشت بزرگان مربوط میشد، بلکه برای خاطر سودمندی عملی زندگینامه نویسی علاقه داشت، بدین صورت که «زندگینامه را ارج می نهم برای خاطراین که ما را از آنچه به سود ما بوده مطلع ساخته و آنچه میتوانیم به کار ببندیم را به ما می آموزد». جانسن همانند پلو تارک به تاریخ و البته تاریخی که در زمان خودش نوشته میشد اعتمادی نداشت، زیرا هر چند مورخان ادعا میکردند که حقایق اعمال و رفتار مردم را گزارش میکردند، اما نمی توانستند انگیزه های مهمی را به دست بدهند. سخن دکتر جانسن این بود که «ما نمیتوانیم به شخصیت هایی که در تاریخ می بینیم اعتماد کنیم».^۱

دکتر جانسن بر این اعتقاد بود که تفاوت اندکی میان کذب و حقیقت بی خاصیت وجود دارد و می گفت که «همانطور که قطعه طلایی که کسی را ثروتمند نمی کند را نمی شود خرج کرد، همینطور دانشی را که کسی نتواند به کار ببندد، هیچ کسی را خردمند نخواهد کرد».^۲

از این رو، هدف مورد نظر دکتر جانسن از زندگینامه، دانش کاربرد پذیر^۳ بود و از این رو خود را از زندگینامه نویسان عهد باستان و قدیم جدا می دانست. به دیگر سخن، زندگینامه ثبت کردن زندگی های

1. James Boswell, *Boswell's Life of Johnson*, ed. George Birkbeck Hill, Oxford, 1950, p. 79.

2. Dr. Samuel Johnson, *The Idler*, 84 (24 November 1759).

3. applicable knowledge

واقعی بود. دکتر جانسن خوانندگان آثارش را متقاعد می‌کرد که هدف درونی زندگینامه نویسی برای همه موضوعات و رشته‌ها یکی است و آن عبارت است از نفوذ کردن به هسته اخلاقی یک زندگی، تفسیر کردن آن و از این نقطه، نه فقط پی بردن به حقایق و معلومات، بلکه کسب بینش و درس‌هایی که در زندگی فردی شخص می‌تواند سودمند باشد (خواه به شکل انذار و یا الهام) را اراده می‌کرد.

مسئولیت واقعی زندگینامه نویس این است که از کارها و رویداد هایی که بزرگی عوام پسندی را برای اشخاص می‌آورد عبور کرده و به اندیشه‌هایی که شخص را به طور فردی به عظمت رسانده است بپردازد و از جزئیات زندگی روزانه فرد به هسته اخلاقی^۱ زندگی شخصیت مورد نظر دست یابد. آنچه را جانسن پیامد های مضر، بدی و حماقت و آرزوهای ناخوشایند و عواطف غالب می‌خواند در اکثر زندگینامه های فردی به چشم می‌خورند. همین نکته به ظاهر کوچک وی را به سوی یکی از نتیجه گیری های مشهورش رهنمون شد، بدین معنا که «از صحبت کردن با یکی از خدمتکاران یک شخص می‌توان دانش به مراتب بیشتری درباره شخصیت واقعی یک انسان به دست آورد تا از یک حکایت رسمی که با شجره نامه شروع می‌شود و با تشییع جنازه فرد خاتمه می‌یابد.»^۲

نکته فوق الذکر از این روشایان توجه است که گام مهمی در جهت پیشبرد فن زندگینامه نویسی به سبک جدید در کشور های اروپایی

1. moral center

2. Dr. Samuel Johnson, *The Rambler*, 60 (13 October 1750).

و انگلستان بود، بدین معنا که وظیفه زندگینامه نویس تنها این نبوده که به درونه زندگی افراد خاصی بپردازد. بلکه آنچه ماندگار است تجربیات و اندیشه های شخصیت بوده که از زندگینامه نویس انتظار می رود به آنها پرداخته تا بتواند ابعاد روحی شخصیتی که تصویر میکند را به خوبی نشان دهد.

اطلاع از روند زندگینامه نویسی به طور کلی و در مورد جهان غرب به طور خاص به زندگینامه نویس بسیار کمک میکند که از کم و کیف کار خود به درستی سر رشته و اطلاع داشته باشد و بتواند در مقابل حملاتی که به اثرش خواهد شد از خود دفاع کرده و بداند که چگونه و به چه منظوری باید زندگینامه بنویسد. صرف پرداختن به شهرت یک شخصیت کافی نبوده، بلکه زندگینامه نویس باید از مراحل مهم در سبک زندگی و جنبه های گوناگون آن اطلاع داشته باشد تا بتواند به دلایل واقعی شهرت یک شخصیت پی برده و آن را در زندگینامه ای که می نویسد برای مخاطب بازگو و روشن نماید.

یکی از انواع زندگینامه هایی که در سنت زندگینامه نویسی در غرب رواج داشته است، پرداختن به شرح حال و سیره قدیسان یا قدیس نگاری^۱ بوده است. البته روند قدیس نگاری در غرب چنین بود که فقط بخش هایی خاص از زندگینامه قدیسان در زندگینامه های آنان درج می شد به گونه ای با منویات و ارشادات کلیسای تعارضی پیدانمی کرد.

بر اساس آنچه گفته شد، زندگینامه نویسی از مسیر مشخص

میان آنچه به لحاظ اجتماعی پذیرفتنی است و آنچه مقبولیت ندارد عبور میکند. با افول قدرت کلیسا در پایان قرون وسطی، نوشتن زندگینامه های غیر دینی مورد توجه قرار گرفت که به نوبه خود از نکات بحث برانگیز و کنترل شدنی برخوردار بود. در همین رابطه سروالتراله درباره آزادی بیان در نگارش زندگینامه ها برای نکته تاکید داشت که در نوشتن زندگینامه ها چندان هم نباید و نمی توان از فاصله بسیار نزدیک به شخصیت مورد بحث پرداخت و همه جزئیات زندگی او را بر ملا کرد، فقط همین بس که زندگینامه ها باید به زمینه شهرت برای افراد سرشناس پرداخته و درج جزئیات فردی و روابط خصوصی افراد چندان درست و به صلاح نیست.

آگاهی از سیر تحول و تطور زندگینامه نویسی که از زمان دکتر ساموئیل جانسن تا کنون رخ داد کمک های شایانی به عملکرد بهتر ما در این زمینه می کند. هر چند که زندگینامه ای که جیمز بازول برای استاد و مرشدش، دکتر جانسن، نوشت در سال ۱۷۹۱ با استقبال خوبی مواجه شد، اما در طی یک نسل در اروپای دوره ویکتوریایی^۱ و در آمریکا ذوق و سلیقه غالب در زمینه زندگینامه نویسی تغییر کرد و به نوبه آن، درج آنچه در زندگینامه مسموح و مجاز بود هم تغییرات فراوانی یافت. با وجود آنکه زندگینامه نویسان دوران ویکتوریایی مجدانه تلاش کردند تا دیدگاه های دکتر جانسن را در

۱. دوران ویکتوریایی به دوره حکومت ملکه ویکتوریا (۱۸۳۷-۱۹۰۱) اطلاق می شود که به عقیده برخی از متخصصان این دوره از ۱۸۳۲ آغاز شد. دوران ویکتوریایی دوره رشد ادبیات، علم و سلطه سیاسی انگلستان در بسیاری از کشورها هم بود. ادیبان و نظریه پردازان فراوان و تاثیرگذاری در این دوره ظهور کردند. البته نقدهایی هم بر این دوره و تحولات آن شده است.

زندگینامه‌ها و زندگینامه‌های خودنوشتی که به تحریر می‌کشیدند به کار بندند، اما همواره به سبب آن که این کار با عرف اجتماعی، سیاسی و حقوقی جدید جامعه دیگر چندان سازگار نبود، مردم در مقابل آنها از خودشان مقاومت نشان می‌دادند.

در دوره ویکتوریایی، سانسور و گریز از سانسور هر دو در زندگینامه‌ها مشهود بودند. در آن دوران سرک کشیدن به درونه زندگی افراد تقریباً غیر ممکن بود. از این رو، زندگینامه‌هایی که در این دوران نوشته می‌شد از حد ستایش نامه‌ها گذشته و فقط به زندگینامه‌های رجال مربوط می‌شد. همانگونه که در فرهنگ لغت انگلیسی اکسفورد^۱ ذکر شده است، واژه «زندگینامه»^۲ در حوالی سال ۱۸۸۸ به معنای «تاریخچه زندگی رجال» بوده و زیر شاخه‌ای از ادبیات انگلیسی به شمار میرفت.

اما همه این پدیده‌ها در قرن بیستم تغییر یافته‌اند. واضح است که این تغییرات یک شبه انجام نشده، بلکه اندک اندک حاصل شد. در نتیجه، قرن بیستم شاهد یک انقلاب فرهنگی واقعی در زندگینامه نویسی بود که از نگاره‌های صورت افراد گرفته تا چاپ و صنایع جدیدی همچون فیلم در همه جا محسوس بود. از سوی دیگر، مرز میان زندگینامه بعنوان شاخه‌ای غیر تخیلی از یک سو و داستان به عنوان یک هنر ادبی تخیلی از سوی دیگر کم رنگ باخت. نتیجه آن که، زندگینامه‌ها به عنوان داستان و داستان‌ها

1. *The Oxford English Dictionary (OED)*

2. biography

به عنوان زندگینامه ظهور و بروز یافتند. در نتیجه، داستان در دوره ویکتوریایی مشحون از صحنه های زندگینامه ای بود که از آن جمله می توان به آثاری مانند دیوید کاپرفیلد^۱ و اولیور تویست^۲ اثر چارلز دیکنز^۳، جین ایر^۴ اثر شارلوت برنث^۵، ابله^۶ اثر داستایوفسکی^۷ و دیگر داستانها نام برد. این آثاری که نام برده شدند به دلیل صورت شبه زندگینامه ایشان از سرنوشت غیر زمانمند بودن برخوردار شده اند و نویسندگان آنها نکته نغزی که دکتر جانسن بدان اشاره کرد را دریافته و در این آثارشان آنها را نصب العین خود قرار داده بودند.

جهان زندگینامه نویسی در دهه های اول قرن بیستم دستخوش تحولاتی شد و این زمانی بود که قوانین ناظر بر آبرو و حیثیت افراد تحکیم یافته و دسترسی زندگینامه نویسان به جنبه های خصوصی زندگی افراد را محدودتر می ساخت. این دوره که آغاز زندگینامه نویسی به شکل جدید بود نشان دهنده حرکت از بیان جزئیات زندگی افراد به سوی بیان خاطرات می باشد که به واقع گشودن دروازه های دیدگاه ها و تفاسیر روانشناختی و نیز جامعه شناختی از آن چیز است که زندگینامه نویسی امروزی بر آن اساس قرار دارد. از نقطه نظر تأثیرات سیاسی، چالشی میان دموکراسی و توتالیтарیسم (حکومت تمامیت خواه) در جنگ جهانی دوم وجود داشت که

1. *David Copperfield* (1849-1850).

2. *Oliver Twist* (1870-1873)

3. Charles Dickens (1812-1870)

4. *Jane Eyre* (1847)

5. Charlotte Brontë (1816-1881)

6. *The Idiot* (1868)

7. Fyodor Mikhailovich Dostoevsky (1821-1881)

جنگ سرد از پی آن آمد که به دنبال آن به زندگینامه به عنوان مطالعه زندگی فرد در جامعه غربی نگریسته شد. از این چشم انداز، برخوردار بودن از دانشی تکاملی نسبت به گذشته و حال از زندگینامه نویسی به غنای فهم زندگینامه نویس از سرنوشت حرفه خویش کمک میکند و سبب میشود که وی جنبه های گوناگون دخیل در فن خویش را بهتر درک نموده و نقش خود را در جامعه و برای مخاطبان به صورت بهتری ایفا نماید.

کوتاه سخن اینکه زندگینامه نویسی، همچنان که در گذشته چنین بوده، امروزه هم به ثبت و ضبط و تفسیر زندگی های واقعی معطوف است. اما این که ثبت و ضبط و تفسیر کردن چه نمودها و جلوه هایی داشته است همواره در طول اعصار و قرون از تحول و تطور برخوردار بوده است. از این به بعد بحث ما به برنامه کاری زندگینامه نویس معطوف خواهد بود.